

دانشنامه جهان اسلام

ع. روح بخشان*

دانشنامه جهان اسلام، حرف «ت» (تکثیر - تبه) / زیر نظر غلامعلی حداد عادل - تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی، ۱۳۸۳، بیست و هشت + ۸۶۶ ص، دو ستونی رحلی، تصویر، جدول، نمودار، نقشه.

چکیده

دانشنامه جهان اسلام، دائرة المعارفی است در بردارنده مفاهیم وموضوعات گوناگون اسلامی. شرح حال دانشوران اسلامی و... که تدوین آن از نخستین سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شده و تاکنون هشت مجلد آن انتشار یافته است. از جمله مزایای این دانشنامه، عبارتند از: اشمال بر همه مباحث و مفاهیم رایج در زندگی به طور عام، استفاده از تجارب و مآخذ پیشینیان (خودی - بیگانه)، بر خورداری از همکاری دانشمندان و پژوهندگان مختلف در تمام رشته‌های علوم و فنون و غیره.

مجلد هشتم دانشنامه جهان اسلام (تکثیر - تبه) در سال ۱۳۸۳ انتشار یافت. از جمله ویژگیها و مزایای این مجلد، این موارد است: میزان توضیح درباره هر مدخل متناسب با اهمیت و حدود قلمرو مفهوم آن، نگارش برخی از مقاله‌ها از وجوه و منظرهای مختلف، استفاده از منابع متعدد. البته، عدم ذکر نام مترجمان در ذیل مدخلها، ذکر فهرست مدخلها در مقدمه کتاب بدون صفحه ارجاع و وجود صورت فرنگی اسامی اشخاص و عناوین کتب در آخر صفحات، از اشکالات آن است.

کلید واژه: دانشنامه جهان اسلام، دائرة المعارف نویسی، دائرة المعارف نویسی در ایران.

*. سر دبیر مجله لقمان.

«دانشنامه» از زمانی که ابن سینا آن را عنوان یکی از نوشته‌های ارزشمند خود یعنی دانشنامه‌ی علایی قرار داد، همواره در مقام نوشته و در واقع کتابی جامع الاطراف و حاوی همه‌ی مفاهیم و مباحث علمی رایج در روزگار تدوین به کار رفته است. روانشاد، استاد دکتر محمد معین در فرهنگ فارسی آن را «کتاب علم، کتاب حکمت... گواهینامه‌ای که در دانشگاه به فارغ التحصیل دهند» تعریف کرده است، و مرحوم غلامحسین مصاحب که در دایرة المعارف فارسی آن را ذیل «دیپلم / دیپلوم» تعریف کرده است، از معنای اول آن غفلت کرده؛ هرچند که از دو کتاب به نام دانشنامه‌ی جهان (تألیف غیاث الدین علی ابن علی امیران الحسینی در سال ۸۷۹ ق در حکمت طبیعی) و دانشنامه‌ی علایی (تألیف ابوعلی سینا میان سالهای ۴۱۲ تا ۴۲۸ ق در حکمت که البته ناتمام مانده است) درمداخلهای جداگانه یاد کرده است. گفتنی است که حسب جلد دوم فهرست نسخ خطی استاد عبدالله انوار، در مخزن نسخه‌های خطی کتابخانه ملی، کتابی جای دارد به نام دانشنامه‌ی جهان تألیف غیاث الدین علی بن امیران حسینی اصفهانی به سال ۱۰۱۵ ق.

«دانشنامه» در زبان فارسی معادل «دایرة المعارف» گرفته شده است و اکنون در این معنی کاملاً جا افتاده است و در معنای «گواهینامه‌ی پایان تحصیلات دانشگاهی» به کار نمی‌رود، مگر ندرتاً بر روی تابلوهای پزشکان. در زبان فارسی امروز به جای گواهینامه‌ی پایان تحصیلات دانشگاهی یا «دیپلوم» مندرج در دایرة المعارف مصاحب، کلمات «رساله» و «پایان نامه» اصطلاح و رایج شده است و می‌توان گفت که عملاً حق به‌حقدار رسیده و «دانشنامه» معنای اصیل و درست خود را بازیافته است، که البته تدوین و انتشار دانشنامه‌ی جهان اسلام در اعاده‌ی این حیثیت، نقش و سهم اساسی و عمده داشته است.

در دایرة المعارف فارسی ذیل مدخل «دایرة المعارف»، بی‌آنکه به نسبت و ارتباط آن با دانشنامه اشاره شود، به تفصیل درباره‌ی این اصطلاح سخن گفته شده است. مختصر آن این است که: «دایرة المعارف عنوان عمومی هریک از کتابهایی است که حاوی زبده‌ی کمابیش مختصری از همه‌ی رشته‌های دانش انسانی یا از رشته‌ی معین... و ناظر به اطلاعاتی درباب موضوعهای مختلف است...».

پس از آن به تحوّل فن دایرة المعارف نویسی عمومی و تخصصی در اروپای قرنهای یازدهم و دوازدهم هجری (۱۷ و ۱۸ م) در زبانهای اروپایی پرداخته شده و مفصل‌ترین دایرة المعارفها معرفی شده‌اند که دایرة المعارف اسلام از آن جمله است و مدخلی

مستقل به تعریف آن اختصاص یافته است. در همین مبحث به برخی از دایرةالمعارفهای عالم اسلام - بی آنکه این عنوان بر آنها نهاده شود - نیز اشاره شده است که عیناً نقل می‌شود:

در بین مسلمین، تألیف کتابهای جامع مشتمل بر مسائل و مباحث علوم و فنون مختلف سابقه نسبتاً مفصل دارد، چنان که مفاتیح العلوم خوارزمی، جامع ستینی فخررازی، ذرة التاج قطب الدین شیرازی، و نفایس الفنون آملی، هر یک به وجهی نوعی دایرةالمعارف بشمار است، و کشف اصطلاحات الفنون تهانوی بحق شایسته این عنوان تواند بود. نیز مراجعه شود به معجم البلدان، ذخیره خوارزمشاهی. در عین حال، در این مبحث تصریح شده است که:

بین دایرةالمعارفهای اسلامی [یعنی معاصر و امروزی] مخصوصاً دایرةالمعارف بستانی و دایرةالمعارف فرید وجدی را باید ذکر کرد. [و] نخستین دایرةالمعارف فارسی نوین و به سبک دایرةالمعارفهای معروف و معتبر ممالک مغرب زمین، دایرةالمعارف حاضر است.

البته این قول مربوط به سال ۱۳۴۵ ش است که هنوز دایرةالمعارف نویسی در ایران باب نشده بود و نام و نشانی از این همه دانشنامه‌های عمومی و تخصصی گوناگون در میان نبود. پس از تحقق انقلاب اسلامی، قلمرو دانشنامه نگاری از مالکیت «خاص» آزاد شد و گروههای مختلف دانشمندان و متخصصان به تألیف و تدوین دایرةالمعارفهای گوناگون همت گماشتند که البته عمدتاً تخصصی هستند و در تألیف آنها از خط‌مشی‌های خاص پیروی می‌شود. به همین جهات می‌توان ادعا کرد که تنها دایرةالمعارف عمومی که در حال حاضر در ایران به زبان فارسی تألیف و منتشر می‌شود، همین دانشنامه جهان اسلام است.

اکنون که سخن از «خط مشی خاص» در تألیف دانشنامه‌ها به میان آمد، مناسبت دارد که در تأیید این ادعا خاطره‌ای را نقل کنم. چند سال پیش به تشویق یکی از استادان و مشاوران علمی یک دایرةالمعارف و به همراه خود او به دیدن مدیر یک دایرةالمعارف رفتم - مگر امکان و فرصت همکاری با آن مؤسسه را پیدا کنم. ضمن گفت‌وگو از هردری، جناب مدیر از من پرسید که در چه زمینه‌ای علاقه به کار کردن دارم. پاسخ دادم که من به سرزمین زادگاهم علاقه بسیار دارم و درباره آن چیزهایی خوانده‌ام و یادداشتهایی تهیه کرده‌ام. چند اسم هم از شهرها و قصبات و کوهها و رودها

و دشتها و همچنین آدمهای معروف آنجا به زبان آوردم. اما جناب مدیر گفت که هیچ یک از این اسامی مورد توجه او و مؤسسه قرار ندارد و در «فهرست مدخلها» هم یافت نمی‌شود. پس از آن چنان به سخن ادامه داد که دریافتم که در نظر او اسلام یعنی فقط هر چیزی که ابن و ابو و امثال اینها را داشته باشد و جز اینها جایی در اسلام او و دایرة المعارف او ندارند.

باری، در محاسن دانشنامه جهان اسلام که تاکنون هشت جلد از آن انتشار یافته است، بسیار سخن توان گفت، که اشمال بی ضنّت آن بر همه مباحث و مفاهیم رایج در زندگی به طور عام از آن جمله است، یعنی که نفس وجود یک مفهوم یا یک مبحث در جامعه برای ورود آن به دانشنامه کفایت می‌کند. حُسن دیگر آن استفاده از تجارب و مآخذ پیشینیان = خودی و بیگانه = است که موجب پرباری و سرشاری مدخلها و به طور کلی خود دانشنامه می‌شود. حُسن سوم آن برخورداری از همکاری دانشمندان و پژوهندگان مختلف در همه رشته‌های علوم و فنون بی توجه به ملاحظات شخصی و خصوصی آنان است.

هر جلد از دانشنامه جهان اسلام و از جمله جلد حاضر، دارای مقدماتی به این شرح است: همکاران دانشنامه (متشکل از مشاوران علمی؛ مدیران و اعضا و همکاران علمی بالغ بر ۱۳۰ تن)؛ همکاران پشتیبانی علمی و اداری (نزدیک به پنجاه تن)؛ فهرست مدخلها و نامهای مؤلفان و مترجمان (در این جلد نزدیک به چهارصد مدخل)؛ نشانه‌ها و اختصارات؛ اختصارات عناوین دایرة المعارفها (روسی، ترکی، انگلیسی، فارسی) و نشریات تخصصی؛ مشخصات منابع پربسامد (از الذریعة آفابزرگ طهرانی تا تاریخ یعقوبی، نزدیک به هشتاد منبع).

اکنون برای آگاهی از محتوای این جلد از دانشنامه به ذکر عنوان برخی از مدخلها پرداخته می‌شود مثل: تکاثر (سورة قرآنی)، تکامل، تکبیر، تکفیر، تکلم، تکلیف، تلبیس، تلخیص، تلفن، تلگراف، تمیر، تمثیل، تمدن، تمساح، تمسخر، تمکین، تمهید، تنازع، تناسخ، تُنب (جزیره)، تنباکو، تنبور، تنخواه، تنظیمات، تنکابن، تُنگ، تنگه هرمز، تنوین، توابع، توابین، تواضع، توبه، توپ مروارید، توتون، توحید، توران، توسعه، توسل، توقیع، توکل، تولد، توللی (فریدون)، تونس، تهذیب، تهران، تیوسالطان، تیرانا، تیسفون، تیماج، تیمار، تیمور، تیول، تیه (بیابان میان فلسطین و مصر). میزان توضیح درباره هر مدخل، متناسب با اهمیت و حدود قلمرو مفهوم آن است،

مثلاً «تلّ العمارنه»، «تلّ الکبیر»، «ژیگموند تلگدی»، «تلمسانی، محمدبن عباس»، «تمتام، محمدبن غالب»... تقریباً در یک ستون توضیح داده شده‌اند و مدخلی مثل «تمساح (دریاچه)» در کمابیش نیم ستون تبیین شده است، و حال آنکه مدخلهای دیگر به تفصیل بیان شده‌اند، و می‌توان گفت که درباره آنها سنگ تمام گذاشته است. نمونه را می‌توان به مدخلهای تناسخ، تنظیمات، توبه، توحید، توسعه، توماس اکوئینی، تهران، تیموریان نگاه کرد که غالباً نه فقط «مقاله» که «رساله»های مستقل و تام و کامل هستند؛ و نکته جالب در مورد آنها «منابع» مفصل آنهاست، چنانکه منابع «تناسخ» بالغ بر دو صفحه‌اند و منابع تهران مجموعاً سر به هفت ستون یعنی نزدیک به چهار صفحه می‌زنند. صرف نظر از اینکه در تنظیم و تألیف مقاله از همه این منابع (در مورد «تهران» بالغ بر ۱۶۰ عنوان) استفاده شده است یا نه، نفس وجود آنها در پایان مقاله راهنما و کمک خوب و ارزنده‌ای برای کسی است که در کار جست‌وجو و پژوهش بیشتر و ژرف‌تر درباره موضوع است، به ویژه که تازه‌ترین منابع از قلم نیفتاده‌اند.

برخی از مقاله‌ها از وجوه و منظرهای مختلف تألیف شده‌اند، چنانکه مثلاً «تکلیف» به طور مجزا در قرآن و حدیث، فقه، کلام، فلسفه و عرفان تعریف شده است؛ «توحید» شامل مباحث زیر است: واژه، در قرآن و تفسیر، حدیث، کلام، فلسفه، عرفان؛ «توسعه» دامنه‌ای بس وسیع دارد: مباحث نظری، آرا و دیدگاهها در جهان اسلام، تجربه توسعه سیاسی در جهان اسلام (کلیات، کشورهای اسلامی غیرعرب، جهان عرب)، تجربه توسعه اقتصادی (ایران، جهان عرب، ترکیه، جنوب شرقی آسیا)؛ «تهران» شامل پنج مبحث جداگانه است: استان، شهرستان، شهر، لهجه، حوزه فلسفی و عرفانی؛ و سرانجام «تیموریان» که شامل این مباحث است: تاریخ، ادبیات، هنر و معماری (کتاب و نقاشی، معماری، سفالگری، فلزکاری)، سکه‌شناسی.

اما کار بی ایراد وجود ندارد، و به هر حال ایرادگیری اقتضای طبیعت نقدنویسی در میان ماست، چنانکه می‌توان به چگونگی تنظیم «فهرست مدخلها» (صفحه‌های سیزده تا بیست مقدمه) ایراد گرفت و مثلاً گفت که اگر مدخلها با شماره صفحه و در جدول همراه می‌بودند، فهرست «زیباتر» و کاملتر از آب در می‌آمد. اما ایراد اصلی در این است که نام «مترجمان» مقاله‌ها در همین فهرست ضبط شده است، در حالی که در متن، در ذیل مقاله‌ها نشانی از آنها نیست. اگر مثلاً در ذیل مدخل «تنوخ» نوشته عرفان شهید در روایت انگلیسی دایرة المعارف اسلام، نام مترجم (مجتبی زرروانی) هم می‌آمد بس

رساتر و دستیاب‌تر می‌شد، به ویژه که معمولاً کمتر به «فهرست مدخلها» مراجعه می‌شود.

اثنا یک نکته که شاید نتوان ایراد قلمداد کرد، وجود صورت فرنگی اسامی اشخاص و عنوانهای کتابها در آخر صفحه‌هاست. حقیقت این است که این روش امروزه کهنه شده است و حاصلی جز سفیدماندن مقداری از کاغذ و سردرگمی مراجعه‌کننده ندارد. امروزه، در این عصر سرعت و شتابزدگی که اطلاع‌رسانی باید به صورت دقیق و رسا - بدون اطناب ممل و ایجاز مُخل - صورت پذیرد، بریدن مطلب و ارجاع دادن به پای صفحه، وقتگیر و مزاحم است. روزگار اظهار لحنیه‌های فاضلانه هم گذشته است. اگر نویسنده حرفی برای گفتن دارد، باید آن را در متن و در همان روال طبیعی نوشته بیان کند وگرنه نباید پای صفحه را با مکررات یا حرفهای نامربوط و مثلاً صورت فرنگی اسامی پرکند. او می‌تواند خیلی ساده و عاقلانه آن صورت فرنگی اسم را - در صورتی که لازم باشد - در کنار صورت فارسی آن در متن ذکر کند تا خواننده بی‌درنگ به مطلب دست یابد.

